



را قرآن کریم در چند جا، مخصوصاً در سوره مبارکه نساء مشخص کرده است. فرمود: **﴿وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾**<sup>۱</sup>.

استان مازندران، بسیج جامعه پزشکی، اعضای هیئت دانشجویی روضة الحسین علیه السلام و انتشار مختلف مردم، قم - ۱۳۸۲ / ۲ / ۱۷.

۱. حمد ۷ و ۷.
۲. نساء ۶۹. در کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، [در روز رستاخیز،] همشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران، و صدیقان و شهداء و صالحان؛ و آنها رفیقهای خوبی هستند.

ما باید راه اولیای الهی را بشناسیم و طی کنیم. این راه هم شناختنی است و هم رفتنی. همراهان ما هم مشخص است؛ هم راه ما مشخص است، هم همراه ما. به ما گفتند: اگر شما راه راست رفتید، راهی که انبیاء آن راه را هدایت کرده‌اند، در این قافله و در این اردو با آنها همسفرید. اینکه ما در نمازهای رسمی مان، در سوره مبارکه فاتحة الكتاب به خدای سبحان عرض می‌کنیم: **اَللّٰهُمَّ اِنَّا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيْمُ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ**<sup>۱</sup>، این انعمت علیهم

\* سخنرانی آیت الله جوادی آملی پس از مراسم عمامه‌گذاری جمعی از طلاب در دهبار با سپاهیان

یک راهی است که در این راه، این گروه می‌روند؛ همراهی ما را هم به عهده دارند. اینچنین نیست که هر کسی در این راه به فکر خودش و راه خودش و باز خودش باشد آنها رفقای خوبی‌اند. اگر کمی زاد و توشه و راحله، بخواهد ما را بلنگاند، آنها ترمیم می‌کنند؛ معنای حسن رفاقت این است. فرمود: **وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا**. فرمود: این راهی را که شما طی می‌کنید؛ در این راه انبیاء هستند، اولیاء هستند، صدیقین هستند، شهداء هستند؛ هر وقت کمی زاد و توشه و راحله داشتید، آنها تأمین می‌کنند.

زاد و توشه سفر، آخرت بالأخره سفر که بدون زاد و راحله نخواهد شد! «زاد» یعنی آنچه را که انبلیان می‌خورند و می‌آشامند، «راحله» یعنی مرکب، این راه آنچنان طولانی است که نمی‌شود، پیاده و پابرهنه رفت! یک راحله‌ای می‌خواهد. به ما گفتند: توشه و زاد این راه همین تقواست که **«تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ**

التَّقْوَى»<sup>۱</sup> اما راحله این راه، یعنی مرکب این راه «محبت» است. آنکه دوست خاندان عصمت و طهارت است، یک مرکبی دارد؛ و آنکه با تقواست، یک توشه‌ای دارد. این توشه اگر کم بود، آن رفقاء تأمین می‌کنند. این راحله اگر لنگ بود، آن رفقا تأمین می‌کنند.

فرمود: شما این راه را طی کنید، چند قدم این راه را بروید، بقیه راه را اینها ترمیم می‌کنند؛ اینها رفقای خوبی‌اند. اینها ما را رها نمی‌کنند، تا برسند به «دارالقرار».

چگونه رسیدن به آرامش پایدار به واسطه لقای پروردگار ما وقتی مردیم، در دارالقرار نیستیم. اینکه در قبرها و لوحهای قبر می‌نویسند «آرامگاه»؛ اینجا آرامگاه نیست، اینجا مسیر است، سرپل است، سکوی پرواز است، هیچ کس در قبر آرام نیست، بلکه دارالقرار جای دیگر است. اینقدر انسان این راه را طی

۱. بقره ۱۹۷.

می‌کند تا به لقاءالله برسد، يَا أَيُّهَا  
الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا  
فَمَلَأْتَهُ<sup>۱</sup>. این کادح، میلیونها درجه را  
به همراه دارد تا ملائجه. وقتی به لقای  
خدا بار یافتیم، آنجا دارالقرار است.  
اگر گفتند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ  
الْقُلُوبُ»<sup>۲</sup>، آن ذکر خداست که انسان  
آنجا می‌آراند. تا دل به طمأنینه نرسد،  
انسان به دارالقرار نمی‌رسد.

اگر کسی مضطرب باشد که  
دارالقرار نیست، این دارالقرار است! ما  
چه بخواهیم، چه نخواهیم در نوسان و  
اضطراب و تلاش و کوششیم. اگر  
وسیدیم به لقای او، آرام می‌شویم. اگر  
آرام شدیم، دارالقرار ما آنجاست. و  
این ذوات قدسی، مخصوصاً وجود  
مبارک رسول گرامی و امام صادق علیه السلام  
هرگز ما را رها نمی‌کنند. فرمودند:  
شما با ما باشید، ما رفقای خوبی

۱. انشقاق ۷. های انسان! تو با تلاش و رنج به  
سوی پروردگارت می‌دوی و او را ملاقات  
خواهی کرد.  
۲. رعد ۲۸.

هستیم؛ اینچنین نیست که شما را رها  
بکنیم! اگر شما هم بر فرض ما را رها  
کردید، ما شما را رها نمی‌کنیم.

قرآن کریم به ما گفت که یک  
راهی را بروید که در این راه رفقای  
خوبی هم دارید؛ نمی‌گذارند شما  
بیراهه بروید یا بمانید، وَحَسَنَ أَوْلِيَاكَ  
رَفِيقًا. اگر راه دیگری رفتید، آنجا راه  
سبأ است و لعن و طرد است که:

«الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا  
الْمُتَّقِينَ»<sup>۳</sup> هر راهی را که بروید،  
بالآخره یکدیگر را لعن می‌کنند. در  
جهنم هم که هستند، «كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ  
لَعَنَتْ أُخْتَهَا»<sup>۴</sup>. اینطور نیست که در  
جهنم اینها کاری به هم نداشته باشند!  
در جهنم هم یکدیگر را لعن می‌کنند.  
آنها در هر جهت در عذابند. ولی در  
بهشت و بهشتیان و راه بهشتیان این  
ذوات قدسی هم راه را نشان می‌دهند،

۳. زخرف/۶۷. دوستان در آن روز دشمن  
یکدیگرند، مگر پرهیزکاران.  
۴. اعراف/۳۸.

هم همراه ما هستند؛ هر وقت ما در  
توشه یا راحله کمبود و ضعفی داشته  
باشیم، آنها ترمیم می‌کنند؛ وَحَسَنَ  
أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا.

ممکن است این سؤال برای ما  
 مطرح باشد که چگونه ما با پیغمبر و  
 امام صادق همسفر باشیم؛ اینها یک  
 انسانهای عرشی‌اند، درست است  
 انسانهای عرشی‌اند؛ اما راه می‌دانید  
 چقدر وسیع است؟! یک وقت است  
 که یک راه اتویان است، می‌گویند مثلاً  
 عرض این راه یک میلیون متر است یا  
 یک میلیارد متر است، قابل اندازه‌گیری  
 هست. اما این راه الی‌الله اتویانی است  
 نامتناهی که عرضش یک میلیارد و  
 هزار میلیارد و اینها نیست! فرمود:  
 «عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»<sup>۱</sup> مساحت  
 این راه به اندازه کل نظام کیهانی است.  
 این نظام کیهانی هم آنقدر وسیع است  
 که خدای سبحان فرمود: یک بخش آن  
 را شما می‌بینید؛ اما یک بخش دیگرش

۱. آل عمران/۱۳۳.

برای شما دیدنی نیست، «فَلَا تُبْصِرُونَ  
تُبْصِرُونَ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ»<sup>۲</sup>

اینکه در روایات مربوط به بهشت  
 دارد که مؤمن در قیامت، منزلش به  
 قدری وسیع است که اگر همه اهل  
 دنیا مهمان او بشوند، جا دارد؛ یعنی  
 الآن اگر ۷ میلیارد بشر روی زمین  
 زندگی می‌کنند، شما إن شاء الله  
 بخواهید این ۷ میلیارد را پذیرایی  
 کنید، می‌توانید. یک چنین خانه‌ای  
 است. مساحتش هم «عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ  
 وَالْأَرْضُ» است. «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ»<sup>۳</sup>  
 «سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ وَجَنَّةٍ»<sup>۴</sup> که  
 مساحتش اینقدر است. یعنی مساحت  
 خانه تک تک شما اینقدر است. آنوقت  
 چنین راهی زیر پوشش این بزرگواران  
 است و انسان اگر بخواهد بماند، آنها  
 ترمیم می‌کنند. پس، راهی که در آن،  
 کسی، کس دیگر را طرد و سبأ و لعن

۲. حاقه/۳۸ و ۳۹.

۳. حدید/۲۱.

۴. آل عمران/۱۳۳.

می‌کنند؛ راه تبهکاران است. راه انبیاء و اولیاء این است که هر وقت انسان کمبودی داشته باشد، آنها ترمیم می‌کنند.

دعوت کردن به (الله)، دلیل احسن الأقوال بودن سیره پیامبر ﷺ

حالا ما چه کنیم که اینها ما را به عنوان عضو کاروان بپذیرند؟ ذات مقدس رسول گرامی ﷺ فرمود: شما حرفها و مکتبها و آراء گوناگون را بشنوید، خویش را انتخاب نکنید: ﴿تَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾؛ این پیام خداست. بعد اینچنین نیست که مبهم گویی و مجمل گویی کند، لغز و معما در کار باشد، به ما بگوید: خودتان بروید، بگردید؛ احسن الأقوال را پیدا کنید. بعد فرمود: اگر من را قبول دارید به عنوان اینکه ﴿مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾<sup>۱</sup> می‌گویم: احسن الأقوال قول کسی

۱. زمر/۱۸.

۲. نساء/۱۲۲.

۳. نساء/۸۷.

است؛ منطق کسی است که مردم را به الله دعوت می‌کند. ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾؛ این هم - صغری قیاس، آن هم کبرای قیاس.

در سوره زمر فرمود: به دنبال احسن الأقوال بروید، در این سوره فرمود: احسن الأقوال؛ قول و سیره و منطق و گفتار و رفتار رسول است. و رسول خدا هم صریحاً گفته است که: ادعوا إلى الله؛ من هم مردم را به الله دعوت می‌کنم.

گفتار و رفتار خوب، زمینه فراهم ساختن (احسن الأقوال)

این احسن الأقوال یعنی احسن السیر، نه یعنی بهترین حرفها؛ قول در آنجا که فرمود: فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، نه یعنی کسی که حرفش بهتر است؛ قول در این گونه موارد، در مقابل فعل نیست؛ فعل به علاوه قول را می‌گویند: «قول». ممکن است کسی شعار خوب بدهد. این خوب حرف می‌زند؛ اما خوب که

۱. فمثلت/۳۲.

عمل نمی‌کند؛ قرآن کریم مشخص کرد که منظور ما از این قول، قول در مقابل فعل نیست؛ قول به علاوه فعل است. آن کسی که شعار خوب می‌دهد، حرف خوب می‌زند، تبلیغ خوب می‌کند؛ اما در موقع عمل دست و پایش می‌لرزد؛ او احسن القول ندارد! ﴿مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾، یعنی منطقتش این باشد.

دعوت کردن به (الله) وظیفه پیامبر ﷺ و مؤمنان پیرو آن حضرت

حالا این پیامبر کیست؟ این را هم باز در قرآن کریم ذات اقدس اله صغری این صفرا را مشخص کرد، و آن این است که پیامبر فرمود: ﴿ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ﴾؛ من مردم را به الله دعوت می‌کنم؛ یعنی رفتار من، سیره من، سنت من احسن الأقوال است؛ این مال حضرت. بهره‌ای که ما در این ایام می‌بریم این است که در همان آیه حضرت فرمود که: کسانی که همراه منند، آنها هم همین کار را می‌کنند.

﴿ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ﴾؛ این من اتبعنی<sup>۱</sup> این من اتبعنی مال ماست که عیدی ماهاست. فرمود: آنها که پیرو منند، کار من را انجام می‌دهند. به قدری وارسته‌اند که با سیرتشان، با سنت‌شان، با رفتار و گفتارشان مردم را به الله دعوت می‌کنند.

این بزرگان گفتند که: این که به الله دعوت می‌کنند، چون الله، اسم اعظم است، جامع است؛ بعضیها هستند که با دعا و قدس و طلب مغفرت، مردم را دعوت می‌کنند. آنها هم کار خوبی است؛ اما آنها مردم را به «رحمان» دعوت می‌کنند نه به الله بعضیها هستند که سخنان عالمانه دارند، مثل محققان حوزه و دانشگاه؛ کتاب علمی می‌نویسند، تحقیق علمی می‌کنند، هدایتگر مردمند. آنها هم مردم را به الله دعوت نمی‌کنند، به (علیم) دعوت می‌کنند؛ خدا علیم است. کسی که

۱. یوسف/۱۰۸.

کتاب عمیق علمی نوشته و ما از علمش استفاده می‌کنیم؛ او ما را به علیم دعوت می‌کند، او ما را باسواد می‌کند. باسواد شدن و عالم شدن نیمی از راه است.

داعیان چه «الله» تضمین کنندگان سلامت اعتقاد، اخلاق و اعمال مؤمنین آن که ما را عاقل می‌کند؛ یعنی طوری ما را تربیت می‌کند که در موقع آزمون، دیگر دست و پای ما نلرزد. او ما را به الله دعوت می‌کند که اسم اعظم است، جامع بین رحمت است و علم است و قدرت است و اسمای دیگر. و وجود مبارک، حضرت فرمود: «ادْعُوا إِلَیَّ اللَّهُ». یک وقت است کسی مجلس دعا تشکیل می‌دهد برای طلب مغفرت، آن هم مجلس خوبی است؛ آن هم «قطره اشک است و طلب آمرزش گناه است و دعاست، اما دیگر تحقیق علمی در آن نیست! این به «دَبَّالٌ رَبُّهُ أَغْفِرُ رَبُّهُ أَغْفِرُ» می‌گردد. و آن هم کار خیلی خوبی است؛ اما این

نفعش ۵۰ درصد است؛ دو تا شبهه یا دو تا تبلیغ سوء که پیش بیاید، او ممکن است به رحمت خودش را نجات بدهد؛ ولی بالأخره از فتنه در امان نیست. یک آدم نماز شب خوانِ مقتدس کم تحقیق؛ او بالأخره در فتنه می‌ماند. چهار تا شبهه، ویروس است! شبهه کسی را رها نمی‌کند! اینچنین نیست که شبهه علمی بیاید، آدم بتواند مقاومت کند! بر فرض هم ظاهراً مقاومت کرده، در درون خود گرفتار خوره هست. آن کار؛ یعنی نماز شب خواندن، اشک ریختن، ناله کردن ۵۰ درصد قضیه است. آن ۵۰ درصد دیگر را تحقیق به عهده می‌گیرد، یعنی حرفهای عالمانه و محققانه. آدم باید هم محقق باشد، هم مدقق؛ هم کثیر را بتواند واحد کند که بشود «محقق»، هم واحد را بتواند تحلیل کند که بشود «مدقق»، که بشود عالم، که رسالت انبیاء را به عهده بگیرد.

**ما وقتی مردیم، در دارالقرار نیستیم. اینکه در قبرها و لوحهای قبر می‌نویسند «آرامگاه»؛ اینجا آرامگاه نیست، اینجا مسیر است، سرپل است، سکوی پرواز است، هیچ کس در قبر آرام نیست، بلکه دارالقرار جای دیگر است**

فرمود: من مردم را به رحمان دعوت نمی‌کنم که فقط دعاگو باشند، مردم را هم به علیم دعوت نمی‌کنم که کار حوزه و دانشگاه داشته باشم، من مردم را به «الله» دعوت می‌کنم. یعنی عاقل شدن، عالم با عمل شدن، عامل با فهم شدن، این کار من است؛ شما هم اگر بخواهید راه مرا طی کنید، باید این راه را بیایید. ادْعُوا إِلَیَّ اللَّهُ، نه إِلَیَّ الرَّحْمَنِ یا إِلَیَّ الْعَلِیْمِ! ادْعُوا إِلَیَّ اللَّهُ عَلَی

بصیرةِ اَنَا وَ مَنْ اتَّبَعَنِي. ما هم در همین دعاها، در نمازها می‌گوییم: راهی که به دیگران نشان دادی، آن راه را به ما نشان بده. خدای سبحان هم فرمود: شما اگر مطیع باشید؛ ما شما را در اردوی نبوی و علوی و صادقی ثبت‌نام می‌کنیم، اینها رفقای خوبی اند. بالأخره در هر حدی که باشید، به هر اندازه‌ای که باشید، هر جا مشکل داشتید اینها حل می‌کنند.